

۲۷۳ - وقت آنست که در این میدان گوی سبقت و پیشی را از مردان شهیر آفاق بر بانی نطق فصیح بگشائی بیان بلیغ بنمائی یاران و اماء رحمن را ثابت و مستقیم نمائی و مانند مریم مجدلیه حواریین را بخدمت نور مبین و داری تا نفعه مشکین آن آفاق را معطر نماید و نور مبین بر آن اقلیم بتابد در چنین وقتی نور موهبت بدرخشد و فیض آسمانی ظاهر گردد و نفوذ کلمة الله مشهود شود و قوت جنود ملأ اعلی واضح گردد اما ثبات و استقامت واجب و همت و غیرت شاید دوستان را در پاریس جمع کن محفل انس بیارا و آهنگ تقدیس بلند کن یاران را تسلی بخش و اماء الرحمن را نوازش کن و بگو عبدالبهاء را محن و آلام آرزوی جانست و اذیت و جفای غافلان مسرت روح و وجدان فراز صلیب او را سریر اثیر است و موت شدید حیات جدید زهر بلا در مذاقش قند مکرر است و سم جفا از شهد و شکر شیرین تر بقا در فنا ببند و حیات در ممات جوید با کمال سرور بمشهد فدا شتابد و در روز قربانی کامرانی کند شما از محن و آلام او افسرده مشوید پژمرده نگردید حزن و اندوه نمائید بلکه روشنتر شوید و شعله شدیدتر زنید زیرا سر فدا سبب بقاست و فوت و فنا در این مقام علت حیات خلاصه کل را بوجد و وله آرید و سبب جنبش و حرکت گردید تا دلها منجذب بملکوت ابهی شود و ارواح زنده بنفحات ملأ اعلی گردد ای امة البهاء چنان شعله ئی بزن که برودت و خمودت را از آن دیار زائل نمائی و سبب اعلای کلمة الله گردی و رایت محبت الله مرتفع نمائی تا عاقبت جنگ و جدال از آفاق برافتد و ظلمت عداوت و بغضا زائل گردد صبح روشن محبت الله بتابد و در بین بشر چنان الفتی حاصل گردد که جمیع لئالی یک دریا گردند و گل و ریاحین یک گلشن و صحرا و از این تعجب منما حال بدایت است در نهایت نظر کن دهقان حقیقی چند دانه تخمی افشانده این را مبین توده توده خرمن در این صحرا نظر نما نظر نباید بقدرت و اقتدار خویش نمائیم بلکه توجه بفیض ملکوت نموده کاری در پیش گیریم هر چند ذره ضعیف و نحیف و نابود است ولی در شعاع آفتاب جلوه نماید و هر چند قطره محدود است ولی ببحر البهور متصل لهذا نظر بفیض و عنایت جمال ابهی نما و بر خدمت قیام کن